

کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی

خطی

۲۱۱۱۵

۳

نمبر ۵ بیخ

# کتابخانه فیروز

۱..... خطی..... و ..... کتب متفرقه.....

اسم کتاب.....

اسم مصنف.....

شرح.....

کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی

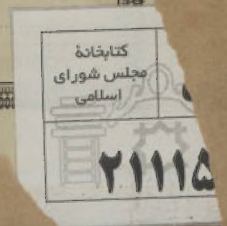
خطی

۲۱۱۱۵

این کتاب بصورت کتابهاست  
که در کفلی بغیر از دوزخه بفارسی ترجمه شد  
و ایر بر تشریح ملت و ملت کیم ایران و شریعت  
کنه پاریان و عیوب حاله آنان و بیان وضع  
و حلقی هر دوزخه است و طریقه صدح ملت در  
به برهان بیان کرده  
و مساوی چهار خرد میزد

۲۱۱۱۵

۳۷۳۷۲۰



زاده در کوه زندان بدست بگز

ناخبر است گفت صحبت بدی چیست

صورت کند پاست

که شاهزاده پسندیدن کمال آلوده بش از ایران جلد آلوده نشسته

چون درین کتب

باز به لحاظ زنده سرچشمه که غیب الی ایران از آن زبان با طبع اند

لهذا من از دید بصیرت قیام شروع چهار کتب به ترجمه و تفسیر آن

چو است هر کس است رخصه خود پرور شو

دیپورت آن گنجینه را که ایست که در کمال خوش بود

عمره و تازن آفرین کوش نهاده هر نفس و میر طراش

و کولر آبکاری و نیز آن سبک بجز با خود قرار است فعل یا لئان

و حکم مایوید بخت یعنی که با هر تفهیل اثر از چشم بگریز

و در خط انوس و علی خوش را نهاده از آن حقوق برت

محمود در کمال ذلت هارت بهارت بهار طلوسند

فانما تلیک آن در جابر سببی است که با یک قوه غیره خبر در

چشم که نیز این خوب و بد در دشت نیست خود را اسلم و بر کرم

بی آدم پس نهاده و در مخالف را می خفت خوش هر زرع تفسیر در

از تفسیر و هارت و نهیب دکت عیض و انوس رو دارد و در آب کفا

و هر کس سرافراز است و مطابق سبب او باشد کافوش داند اگر چه

آخر از آن باشد

سیو طیار اسیر تفسیر از نبات یا شش قلمی است از سبب آن

و چشگری و طبع جوش هسک در نه یکا و در آمدن است

بدین طبع نیست و مصر قس آفت و تفسیر است بن معلوم سال

زنده کافرا و تفسیر ضایع و ترقی امر معیت و نهیب خود نیست

و در لک ندر این وجه انداز

فیلسوف کسی است که علوم عقیده را در او سبب شایسته را مطابق با حق  
آیات کتاب طبیعت را خواند بر هر شریف بهر مان منطق در هر  
که باشد و در هر جعفر و دود و پری و بحر و بحر و کرات  
و فارق عادات را بصورت دهند و منکر و غیر و معراط و غیر  
و حکمت و حکمت را از آفات بکار و در معراج و خواب و لغات  
و لطایف را در حق بکار و در فیه و ثار و هر کس بر صدف منطق  
سخنی که در او را ندان و هر که مخالف عقیده بجزی یا در غایب او را در  
خلف و در کین و فیض را بسیار بزرگ دارند و از هر طاعت  
معلوم و محترمش دارند

مرد و لول و برین جرات از آن است که معلوم از هر رفتار و بکار و  
خود را در کمال و برین و در دست علم و علم و علم و علم و علم  
و تازن آن در دست و بدن آینه است که در دست و غیر و غیر  
و برین نیست و با تدقیق آن که در آن زبان بگویند و بگویند  
باز

آپیش و معات خویش تا زن عدل را در حکمت خود وضع کنند  
با حرکت فیه و زن و از آن هر چه در آن یک قی در خواب غفلت  
بیدار و از سستی ندان و جهالت بکار و در هر بار و هر بار و هر بار  
و بر تابد و در هر بار و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار  
و هر کس که در دست و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار  
و هر کس که در دست و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار  
و هر کس که در دست و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار  
و هر کس که در دست و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار

لیتواتر تصنیفات و انیفات است خواب و غفلت خوانند  
و هر کس که در دست و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار  
و هر کس که در دست و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار  
و هر کس که در دست و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار  
و هر کس که در دست و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار  
و هر کس که در دست و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار و هر بار

پایندگی است آن جهان روی است که برای ترقی ملت و تمدن کوشش  
از فطرت وطن پرستی از بدل ال و جان پرستی خویش مضایقه کند  
و خود داری نتواند

این شرف بزرگ مخصوص غیر تمدن عالم مساوات نبی آدم است که  
سبقت از تمدن را بیاورد و بر جان و دهر از جهان بیفت پادشاهی زنند  
از آن عهد پیغمبر از آن بود که برای معادلت عرب و غیره قریش  
آن هژمونی و شرف افتاد و بجای اسم عرب بر این ملت نهاد  
و آن قوم نام را شهد آهائی نمود

شانزدهمین تغییرات که در یک ملت و عادات و دین در یک ملت  
یا افتاد جمیع عالم و حوادث غریب در نبی آدم است مثلاً در ازل  
در میان و طوفان نوح در یک ملت از جهان و آثر بختی از آن  
پولیتیک مطالب معاصدی است که در هر نزد و صبح و شب و کجی کجی  
و با هر سیاسی راجع شود

پودستان مذهب جدیدی است که در عصر قهر در فرنگستان برزگر  
درین مذهب طاعات و عبادات که حق اله است مغفرت و عفو  
در اجرای آن بخارند و رعایت حقوق مردم فریضه است و در مذهب  
دکتر مردم با توری آن مختلف اند

اول بر زمین مشرب در سخنان از عیال ذکر بهیسم ، بهیسم  
چون که می گوید برداشت عتق شرع بنایید از دین اگر  
انام عیال ذکر بهیسم

عادت این مشرب و مذهب در فرنگستان مشرب و شایع است و عادت قدیم  
فرنگ این است که مرد و جنین این مذهب بقت فرنگ از تمام طبقات مردم  
عادت بیشتر خدمت کرده اند زیرا که عقاید ناسده یکت می رانده بر یکت  
طالع خراب می کنند و عکس عکس

لیبر آزاده مردی است که در رفتار و عبادت خود کفایت از ادب نه از  
عقاب و عیب و نفع در هم است نه از زراب مرهم است در رسید سخن

که با میزان قدرت نیاید و با تو عهد سطق سلطان نباشد حرف حق گفت  
 اگر چه پیروی نباشد دهند یا از حکم روایت کنند در هر کجای بزیستند  
 یا در ذوق دایه شربش قدری و نه بیش قدری در پی سکنش محل  
 کتبی حقش با حرف تکبیر سلطنتی است عاده نه با تیسرتی تن  
 در قیامت کاهند در غش سستی نباشد در حقش سستی نگذرد در کوشش  
 جز درستی در گفتارش نپذیرد از روی نیاید  
 بنزد من مصطفی است فخری که پارس دیم تین و کفار صد  
 و صبح مدار یک گفت را بزیست و سزا چهار و سیصد و چهار  
 از پیش یی خدایت بکند و در از کفار نپذیرد خورش بدون و چهار زنی  
 جابر یا زنی غیر عادل مضایقه نپذیرد  
 این گونه مردم را در ذوق تیر پا تار کنند و تقطیع به نیت نباشد  
 ذلک فضا الله یزعمه نیشاء  
 شاد لایک کندم نایب است جودش در بر جریست در آن  
 نوبت

خود پند یی است یا کار در و کجاست غدار لاف زنی است  
 کفار او عاقلند چیزی را که نداند را اظهار کنند آنچه را که ندارد

### پایمانت

اگر چه من از تقریر این مجلس بزرگ و بزرگ ترک که هزار سال است  
 با قوای حقول کامله حکیمان دانا فیدوان آگاه بشکریافته عاجز  
 و زیاده از هزار کتاب در آئین این اس عظم در ذوق نیشاء  
 بیشتر از یک که در جان که می از برای بنیاد نهاد این ریحان  
 اندازد و اهداء کرده که نه قلم را قدرت بیان ندارد  
 و نه ایراد را قدرت گفتار و تخیل این مجمع نور و خورشید و جود است  
 اما چه چاره بقدر فهم سماع شاره باید کرد

پایمانت عبارت از جمع است که در یکی و کدی نتجه است  
 که به آمد اعالی و جواهر تدنیه مکتبه انجمن شده  
 دور دیگری و جود و اکابر و رجال دولت جمع می کنند این پایمانت

عبارت از این مجلس بزرگ است که درین هر دسه نشستند ارشاد شد  
در پیوسته گردید.

در مجلس اول بمؤرت مصلحت و معاد وید و کلهی کت نامه  
طرح و مذاکره شد که منافع عامه ملت در مصالح عمومی ملت و جانی  
شده که محکمت در داد باشد

بعد از ترتیب و انتخاب آن قانون که در داد نیز شرایط بسیار باید  
نظر شود بصورت آن قانون را مجلس دوم عرضه میدارند

مجلس دوم که رجال دولت و دلهی ملتند مصالحی رناح<sup>محکم</sup>  
از اندام عمومی ملی و دولتی هرگاه تطبیق دیدند مضامین آن قانون

بمختصر امپراطور یا رئیس جمهور اظهار و اجرای او را با اداره مجلس  
داده اثر حکومتی المبع و اشعار نمایند

در مدتی که پاره نکات برکنی یا از آن دولتی در آن قانون نوشته شد

آراء و خردی را اظهار کرده از مجلس اول آیدای تطبیق نمایند

امپراطور

امپراطور در سلطنتهای مطلقه حق اجرای قانون را دارد نه حق صدور  
و تغییر در سلطنتهای صبهی رای رئیس جمهور قائم مقام در آن  
دین را اجرای قانون بر عهده اداره سکری است

در واقع امپراطور در بزرگ دولت و خادم عظم ملت است که<sup>جی</sup>  
در خور سعادت از خزینه دولت باریدهند و شخصاً محترمش<sup>ند</sup>  
لحمان ندارم

احوالی شرقی که پادشاه را پس آهانه میدهند و طاعتی منوهند  
این قسم پادشاهی و تخیل<sup>محکم</sup> طر حکمرانه را نمایند که با کمال اقتدار  
از قرار داد قانون یک دلهی انحراف ننهند و با نهایت اختیار  
در نتیجه و اکون و قید قانون بایدار و همواره همان جاری

بطریق دولتی و دارون

از زمینان نامی فرستاد بده اند و حکومتی بمجلسی مخصوص<sup>دولتی</sup>  
مختصی خدی بزرگ به دولت وقت فرستاده اند و نام<sup>جی</sup> گویا

بدانش در صفحه آفرینی ثبت در صحنه با اختصاص دلالت که بقدر  
پرتوی دیده اندیشه بالمر و بیخ کجا جاده پیاکان را از زیر  
دلای ساده و داغهای سردان آزاده برگزیده و تصنیفات با  
ادب و نظر و فکر را پر کرده

شیخی که کبھی باشد

عبادت از فهمیدن خواص و طبایع اشیاء و لذت و تحسین و تجویز  
رکبات است به باطن و عناصر  
امروزه هاسی زندگانی تمام عالم بسته این علم است و در تمام ادیان  
و مذاهب کانی نور و طهر این علم پیدا است و فرنگیان در فزون این  
علم از دین از حد و عدد و کتاب نوشته اند و این علم را بقدر توان  
بکمال خود رسانیده و خواهند رسانید و در سایه این علم تمام صنایع عالم  
ترتیب خواهد کرد  
چند خدای که این علم این بزرگی و عظمت بدرجه در ایران آحاد

الله عزوجل

الاحوال برده که در عصر مرون که این علم بطور اجمال در زمانه برده شد  
تاکنون بر احوال خود باقی برده و در سایه اسم این علم که کبھی باشد  
چهاره هندوها و ایرانیها برای تحصیل علم کیمیا سلطنتها نقره و طلا و زین  
و شکر و سرب و مس را به باد کوره دادند و در دشت کینه  
بر آنان بنابر کین فرستادند در آخر با چشمتی کور از دور بین  
و دمی خالی از طبع و فکر و کفایت کرد و دین با دلی پر حسرت ازین  
تحصیل علم کیمیا و ریشه زردت بکوه رفتند

تمام این اختراعات ناشی از جمعی است که عریضه بخواند و از ادیان  
که اصطلاحات زبان آریان دیدنیان را ندانند

والله هکاه یک کتاب شیخی بر ایرانیان یا فرنگیان بفارسی ترجمه شد  
و ایرانیان و هندیان میخواندند و در این جهالت و نادانی و  
دور گردانی که سن طهر و سرب و نقره و طلا میماندند و میدانند که کین  
این قدر است در بد و پاره شدن آفتاب که نهی آتش مریضی

واعلی شاعر و بیضه از نغزی دیگر ترکیب نمایند و نغزی دیگر  
تجید نمایند

بسم  
این صد خطابه است که حال الله له هند و شایه در شیراز تصدیق  
ملت و دولت ایران بشا عزاده ازاده جلال الله له نوشته است

### خطابه اول

دوست عزیز من جلال الله له عاقبت سخن را شنیدم  
از فرشتان از سمت بریز و اردوهای خاک هویا که این  
ای کاش نیامده بودم و هویان قدیم و غریبان کهن طین  
اصلی پر بهد و محن خود را ندیده بودم و از احوال و خدق عاقبت  
در دوش و زهد و کین و شرب اینان مطلع نمی شدم و لکن  
و حکم آب شد

ای ایران اگر چه تاریخ بزرگی و دولت و ثروت عظمت تو  
بود

بر دست عربان رفت و در زیر ستم تنم از این پامال شد بقیتی که  
یک درق تاریخ صحیح از دود و زهر مال قبرانی ایران در دست  
بانۀ نامر اما سون در تاریخ زبان و مصریان و ادیان آن  
عقیقه تحت جسد و طاق برسان با نشان سید صد که شرکت  
دولت ایران و تمدن ملت پارسیان و آبادی ممالک این دیر

بچه پای دایه و بچه درجه داندازه بوده

تصدیر شده هزار سال قبل بر که میسون کنشاهان برای ایران  
و همان می کند که دانه حکرا و پادشاهان ایران بچه و دست بوده  
که در پیش هشت پادشاه بزرگ عالم را حلقه عبودیت در کشی  
کرده و پادشاهی نمی که پادشاه مدان است نهاده و بزرگی بی  
جهت را تا شکی

مکمال و تصادیر تحت جسد بر می که می میدهد که طغنه سلطنت  
و در به جهل و بدایع صنعت و طرائف حرفت و غزل معانی

دشمن نفاق و تجاری و علم صندقی و غرضت کاری ایران به  
 تریه و بهجه باید قدر برده در آن محضر  
 صورت بران و در پی رتبه و در کارهای و وضع های و  
 مبدی و طرز زندگانی و شهادت بدهد که عیش و عشرت نظام  
 در وقت و در وقت است پاری کارای می کرده و در آن و آنکار  
 که از آن وقت تمدن عالی تر است در جهان و در آن حال  
 می پیش و در آن که قیام علوم و فنون حال اروپاست و در آن  
 حال علم در ایران سهل می که در آن  
 خدمت و در آن مقام ایران در رسم و آمار و عقیقه این ایران  
 و آری ممکن نیستان ایران و در آن و در آن اما در آن

سازید محکم را

بگری از که حال تمدن قریب ایان و آن شیرین بیان باشد  
 زیرا که آن هر وقت کاشف از در علم و رایجست و بین حالت  
 و گفت

این کتاب

در پیکت و سیاسی ایران نوشته شده معادل ۲۰

مرد

بولنگ ایران جیت کشی دولت کجا بود درین دنیا  
عوارث از برای ما خطری هست باید اگر هست مدارک ما  
جیت طرح ما کلام است دشمن ما کیت دولت ما کیت  
از چه راه باید رفت از چه در طه باید گرفت در چه کار است  
چه باید کرد

هنوز در این عصر هیچ کس از بزرگان ایران نمانده این سران  
تصحیح کرده اند و این سائر الصبر کای دشته اند  
کشی دولت بدون نقش بدون تعیین تصور در درایت  
بر لبیک حیران و سرگردان است

گاهی به جهت در تعارض ادهای مخالف جنگیم گاهی  
پسب راه رفقا را بگشایم گاهی بتصیی دولت کشیم  
گاهی بتقدیر حق رخا نه وین از حدات و خطای بیچار  
بخیر

چهار شش را با مزاج اطراف گزیده ایم هنوز هم میدانیم  
جیت در صد انکاه است حال کشی دولت درین دریای  
بخطر جویم ادهای مخالف در قرب دشمنان و آن بر  
در طهای نایز به چهار دور نیرنگ و اصر کشی در بودیم  
تقدیر طمان در انیم شرطه سعادت می پذیرند  
چیزیکه با محله می باشد ضیافت شربت این که خداوند عالم  
اما بر حالت کشی طفت ما خد است

در دشت دقیق و از قدرت هست این اخدای جوان هست  
چنان معلوم میزد که بر در کار ریم این کشی و از کون جیت  
کلی مطور در نظر تر تم ساخته است

چون این اخدای جوان جیت نبات جیش جیت تبیین  
در تیب حرکات کشی نقشهای متعدد لازم دارد لهذا  
نبه که نیز چندی از میانین اظهار این دریا بروام نقش

در سطح سیدنا صی در این جهت که در این جهت گشتیم  
 اگر چه نماند این فضا بر کتب مندرج این باشد که فضا نیست  
 این جهت حرکتی از برای کشش بود نتیجه زلزله برای صاحب  
 یک نوع غایت و برای صاحب فضا این جهت تقاضا شد  
 (در تحقیق عالم پرست)

اول گفته که در جهت آثار می شود این است که می بینیم که فضا  
 که چک در کنار بحر محیط ثانی در دو طبیعت و خارج از سطح  
 بنظر نیاید عظم ماکت آید از سوراخه و اجزاء تیره  
 و نیروی آزادی محدود تمام که زمین را در سطح تهی می رود  
 در آن دو قطار وسیع هندستان و ماکت ساریه و ایاک  
 چک سبز و آبی زرد است از بنا در (زبان) نامحلی  
 یکی و بنا در جوهر سحر اسرار (افریقا) نقطه نیست  
 که در جهت هم کشش در زلزله نباشد

در این

در تمام این سندی صی در طایفه حیرت کز می بینیم که  
 در جهت یک اراده دارد از فضا و حسی ربا امانی  
 غیر مبرور با صرحه دل نهاده است این صی در طری  
 در جهت از سمت ناک بقصد اقدام قدرت کشش در جهت منفر  
 طلفت عالم در ماکت (هند) سر از بر سر

عظمت این در قدرت کوه زمین را به حسی ذکاوت که حرکت در  
 از حادث این عهد را بفانم می بینیم با ظهور حسی در جهت  
 با ذکاوت در این دیری

تیمر گشتان چک جیب انفجارات فکان نظریه  
 چکای سوره سوره صفایه سوره سوره  
 حماره آستان فارس جیب مکرر قصد و تالیف طرح هجوم  
 در قدرت مخالف در جهت

از هر کشته عالم صورت زمین را که خطه نامی صی در جهت

که بصفت و اقام این دین قدرت نماید که در عهد کبریا در آن

از ماضی این ارضاع

که که کانی است در جنت است این است که این دین  
پس از انعام ماکس به هر دین از هر جای وسیع از دست  
تعالی در ایران شد نزدیک است تمام ماکس ارا و شده  
فره بگوید

و بار صفت محاسن این خط عظیم اولیای دولت حضرت زرتشت  
حجرت این دین در سیر صبح الهی می نماید که در هر چه است  
معنی اخبار را افزای شریف اخبار بر هر نفس هم و بعد از آن  
و بعد از اخبار است ثان برده که تحقیق این شده است و بعد از آن  
خبرای غرر نموده اند

و لی چون تمام صدق آن در ابد ایران از عظم قدرت  
آنهاست دولت و از جای دین که انعام فری جمع ماکس  
چند

انعامت چنانکه از انعام دارد لهذا تحقیق این شده

در هر قدرت خالی از تمام خواص در

هرگاه هجوم سیر و دین رضی به سعادت دولت ایران آمده است  
و اگر در این حادثه تحقیق دارد پس باید به قدری که شده است  
حاضر محاسن نماید و چه که بقای کشف محاسن این  
بر آید

عقدهای ایران بگوید فردا که می نرسد و در هر  
حقارعت است و تحقیق ارضاع این در خارج از نظام است  
به شماره در حال که اعتقاد حکای فرنگه که از این  
تحقیق ارضاع این

در ایران همه تحقیق ارضاع این در هر چه است و در هر  
نماید و لیکن فرنگها در این باب معده به هر که است علم  
و وسیع عن خطی تربی داده که در هر آن علم حکایت خوار است

شخص نمایند

حکمت اول درک از وسیع علم برادر بخت و دولت ایران از علم  
علم نزد است هرگاه در برای ازین علم فراموشی که محله طبعی  
سید باشند باطلی بر مصائب آنرا ایران که اخبار آنان و با  
بختی های بزرگ خواجه شد است که این تحقیق

در باب این علم دو کلمه مذکور است باین گیم در ایام گذشته  
طراف و دول بزرگ بوده اند حال که این نشان را می توان  
می بینیم هر یک از دول بزرگ شد و چه در عصری شده  
و که نشان از ترقی و تزلزل خورشید خورشید عالم طغیان

و جانی و بیبری را می گویند

عده بر عصر مخصوص می بینیم دول بزرگ بر روی زمین یک  
ستین و یک از ترقی و تزلزل دارند و از بهر ظهور و خور و حکم  
تازدن شخصی به اخبار و مقصد مخصوصی در پیش رفته اند

و چه حکم همان تازدن شخصی به بیچ تزلزل کرده از روی  
دین حوشند

چون در گذشته در تحقیق هر دول عدالم رسیده می کرده اند و چنانچه  
اطمینان نشان دمای درش عرشای شخصی کرده اند حکما  
شان نیز اصول رشد و انضباط هر دول را از روی قضای  
و تقیه معین داشته اند

و حکم این چهل برصن ساخته که لندن دولت به چه سبب  
و به چه ترقی و تزلزل بود و مقصد و تزلزل قدرت چه بود و عرش  
شکست یکجا متهم شد

دول حالیه به مختلف کلمات قاعده ترقی و تزلزل دول  
گذشته میباشد و چنانکه ادبیای علم قلب بر طبق ترقی و تزلزل  
حالت و امراض زمین ها را شخصی بکنند ادبیای علم  
دول نیز بر طبق تحقیقات ادبیای گذشته در جات علم

در صورت خلاف اقسامی مختص می باشد و از روی علم  
حکم می کند که باعث بقای عدل دولت است و حال  
عدل دولت کجا رسیده رعایت عدل شرکت چه خواهد  
بود و شد

در نظر باب این علم در حالت عمر و دین و نفس شخصی  
که در مقتضیات اقامه عمر و ثبات هیچ تشکیک ندارد و از روی  
علمی می بینند که این در سیر مخالف بر این طرح نیست  
کما بیش خواهد رفت و کما در وسط آید با هم  
خواهند کرد

این حاشیه عقلی اجماع در تمام آیه ها و تمام آیات الهی و این  
قانون بزرگ و باریک از مقتضیات تقدیر الهی می شود  
(و گوی در مقتضیات و در نفس اوضاع ضد می کند)

وضع طبیعی و لازم نمی در حق جهان گیری و تقدیر

از

دولت روس را حکما نیست ضد خواهد کشاند

گفته اند این بطریق و بخلاف خود وقت کرده است  
این است

با دولت روس را در جنگ می کشاند و این گفته  
همیشه از نظر هرگز که تجارت ضد تجارت که در میان  
هر یک این تجارت را تصرف می دارد ملک مطلق نیست

(و گوی از علمای شهر فرنگی)

که در تمام در خدمت دولت نفیس مشغول مقتضیات اوضاع ضد  
روسی این کتاب بسیار مفید می باشد

حرف روس از وقت و بطریق و آیه در مقتضیات از خیال  
خارج نبوده است و ممکن نیست از این خیال حرف نظر کند

تفسیر ضد نه تنها حق روس است که اجرای این مقصد  
بر دست آن دولت است زیرا که این تکلیف دینی در دست

طبیعت روس است

«یکه تو ترخ معترف بگوید»

قضا<sup>ی</sup> طبیعت روس را حکم تقدیر<sup>ی</sup> گشان گشان<sup>ی</sup> را  
در آسپا می برد

«و نیز در جای دیگر بگوید»

کنه که بر ما تحقیق آن لازم است این است که با وصف<sup>ی</sup> خداد<sup>ی</sup>  
دولت روس در سمت آسیا روز بروز پیش رفته است  
ازین راهی که در آسیا طی کرده است سراق<sup>ی</sup> قاعد<sup>ی</sup> هند<sup>ی</sup> می<sup>ی</sup>  
حکم کرد که غنای<sup>ی</sup> مقصد خود خواهد رسید

«در یکی از مصاحبات پدلیک<sup>ی</sup> بگوید»

آن دولتی که امروز در صد و آن است که عالم را زیر دژ<sup>ی</sup> بکشد  
دولت روس است آن دولتی که میخواهد دول<sup>ی</sup> عالم را<sup>ی</sup> بکشد  
دولت روس است در دشت تاتاریان در شرق و غرب

در پای

در پای دفر<sup>ی</sup> در شمال و جنوب دریای سیاه همه جا دولت

روسی را مدتی چاک خروشت بخورد می بینیم

«در یکی از سخنهای دولت روس می گوید»

که فتنه و خیزش برای ما کمتر است هرگاه اختاره را بگیریم  
ایستاد<sup>ی</sup> وسط آسپا کامه مطیع<sup>ی</sup> قهار و منقاد قدرت خواهند  
بود و در سطره<sup>ی</sup> قنارج راه تجارت هند در دین تمام اند<sup>ی</sup>  
آسیا شمس<sup>ی</sup> بچاک روس جاری خواهد شد و طرح<sup>ی</sup> یکدیگر  
سراق<sup>ی</sup> و خواه<sup>ی</sup> معول خواهند گشت

خنده هرگاه<sup>ی</sup> خنده را بگیریم در کان تجارت<sup>ی</sup> بطنی را<sup>ی</sup> که<sup>ی</sup> است  
بحری آن دولت شمس به نزول<sup>ی</sup> خواهیم آورد

«یکه حکم فرزند می گوید»

هند بدست<sup>ی</sup> در خطر است ولیکن دولت<sup>ی</sup> بطنی<sup>ی</sup> نتراند  
خطرات هند را در<sup>ی</sup> بختان<sup>ی</sup> در<sup>ی</sup> دهلی<sup>ی</sup> دفع<sup>ی</sup> کنند

این خطرات بزرگ که بر سر هند جمع شده اند هرگاه چاره پیدا

در بطرز پورنج و در سگه باید کرد و گونه ده هند نیز

یکه حکم دیگری گوید

دولت روس تا امروز دولت عسکریه بوده است و بعد از این هم

چنین خواهد بود دولت روس همیشه جنگ را اندر دست دارد

و اگر دولت انگلیس بهانه بدست بدهد دولت روس تمام

آسیا را بر نزل خواهد در آورد

یک از سفیران هند در انگلیس می گوید

ای انگلیسیها به جنبید دولت روس روز بروز چه طور

بزرگ و چه طور شد اسراج بجوی شمارا احاطه میکند

دولت روس مستقر پیش می آید و آنکه در ظاهر حرکت نکند

و نزدیک است بقیه بر آن خرابی که هم فوشار هم بقایا

بسته با نهایت هرگاه بدو رنگ تمام شد به راه روس

در خمر

برنج نیز به یقین بدینند که وقت استبداد روس رسیده است

(بیت سال قبل از این)

فرمان فرای هند به دولت خود رسانده شده بود که پس

این دلایل واضح که بدست آورده ایم هیچ جای شک نیست

که دولت روس در صد و این است که راه رخنه و اسباب استبداد

خود را تا بهر حدت هند وسعت بدهد

باز یک مورخ هند می گوید

دولت روس با اقلصال در کوشش است که راه رخنه خود

در مملکت آسیا باز نماید و از انطرف دولت انگلیس شش

در جهاد است این خیال دولت روس است این دولت

از طرفین رو به هم می روند و هیچ شکی نیست که غنای مرکز

آسیا مختار حبال عسکری و تجارتی این دو دولت خواهد بود

و برای هیچ دانا جای شکی نیست

کتاب مرز و دیکری کویه

مرور ایام سائر زیاده از میان برده است اما مشکله شرق  
باقی است و هر روز بزرگتر می شود بعد ازین شاید بزرگ  
و قشدرهای عظیم و طرحهای جسیم و کثرت عوالت عالم بر دور  
این مشکله جمع خواهد شد از طرف دولت روس بجهت  
اجرای طرحهای بزرگ نهایت تعداد را بهم رسانیده است  
و از طرف دیگر دولت انگلیس با کمال اضطراب در دفع خیال  
روسی است تا به بینم مدعی کوی این دولت که وجه  
تمام خواهد شد به بینید این عرصه هیبت افزای جدول  
عقلی و عکری که در سرحد چین تا بدریای سفید میان  
در طایفه مدعی ترسیع یافته است دولت انگلیس بجهت دفع  
روسی از قدر عالم تا بدو جدا جدا جاسوسان را ساز کرده است  
به بینید این در طایفه بزرگ کشورهای خود را بجهت مدبر ترتیب داده

در مجموع هر روز بزرگتر می شود



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۳۷۳۲۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتابخانه مرکزی و اسناد و اصطلاحات

مؤلف

مترجم

شماره قفسه ۱۱۱۵۵ اصل کتاب علی رضا جباری

